

LYRICLIT	Journal of Studies in Lyrical Language and Literature, 15 (56), 2025 Publisher: Islamic Azad University – Najafabad Branch https://sanad.iau.ir/journal/lyriclit ISSN: 2717-0896 Doi: 10.71594/lyriclit.2025.1129568 
----------	---

Research Article

Received: 19 August 2024

Revised: 9 October 2024

Accepted: 1 December 2024

Online Publication: 21 March 2025

Analysis of Human and Social Themes in the Works of Ghada Al-Seman

Omid Ansarikia¹, Abdollah Abedikhah², Mohsen Satiarvand³

1. Department of Persian Language and Literature, Tabriz University, Tabriz, Iran. (Corresponding Author)
E-Mail: omid.barann1359@gmail.com
2. Department of Arabic Language and Literature, Semnan University, Semnan, Iran.
3. Secretary of Education, Khozestan, Iran.

Abstract

Ghada Al-Saman is one of the dedicated poets who enlighteningly examines the problems of the Arab world today with the issues related to the women and men of his society and has a deep and accurate understanding of them. Because with his rich poetic feeling and power of expression, he has been able to create lofty concepts and deep and eternal human themes in his poetry; In other words, his poetry expresses happiness and sadness, pain and sorrow, feelings and emotions and concerns that govern the soul of the poet and like a painting, it exposes the face of society to everyone. The present research was carried out using a descriptive-analytical and documentary method based on the statistical collection of Ghada Al-Saman's poems. In Ghada Al-Sman's poems, the themes about human beings and social issues are significant, and a pained poet like Ghada analyzes political and social issues with the sensitivity of a judge. She is the voice of her community, and regardless of any side issues, she institutionalizes "humanity", "equality", and "freedom"; she is a critic and social reformer and reveals a clear image of the women of her community; she does not compete with men. Rather, she demands the trampled rights of women, works diligently for anything, and criticizes openly. Ghada has not been silent or indifferent to any political, social, and humanitarian issues; Regardless of gender, it stands firmly at the top of humanity and does not accept anything predetermined, breaks taboos, and is free in relation to all human, legal, equality, gender, freedom, justice, politics, life, and issues. Thinking, death, suffocation, and censorship, oppression, love, and it takes initiative and is unyielding; He is questioning and libertarian.

Keywords: Arabian Poetry, fundamental themes, human, society, politics, Ghada al-Saman.

Citation: Ansarikia, O.; Abedikhah, A.; Satiarvand, M. (2025). Analysis of Human and Social Themes in the Works of Ghada Al-Seman. Journal of Studies in Lyrical Language and Literature, 15 (56), 26-42. Doi: 10.71594/lyriclit.2025.1129568

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granded to Journal of Studies in Lyrical Language and Literature. This is an open – accses article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.





فصلنامه مطالعات زبان و ادبیات غنایی، دوره ۱۵، شماره ۵۶، تابستان ۱۴۰۴

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد

شاپا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۱۰۱۹

Sanad.iau.ir/journal/lyriclit

Doi: 10.71594/lyriclit.2025.1129568



مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۱

تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۷/۱

واکاوی مضامین انسانی و اجتماعی در آثار غاده السمان

امید انصاری کیا^۱، عبدالله عابدی خواه^۲، محسن ساتیاروند^۳

۱. گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان های خارجه، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

omid.barann1359@gmail.com

۲. گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

۳. وزارت آموزش و پرورش، خوزستان، ایران.

چکیده

غاده السمان، ازجمله شاعران متعهدی است که روشنفکرانه، مشکلات امروز جهان عرب را با مسائل مربوط به زنان و مردان جامعه خود بررسی می‌کند و نسبت به آنها درکی ژرف و صحیح دارد؛ چرا که با احساس غنی شاعرانه و قدرت بیان خود، توانسته است مفاهیم والا و مضامین ژرف و جاودانه انسانی را در شعر خویش بیافریند؛ به عبارتی، شعر او بیانگر شادی و غم، درد و اندوه، احساس و عاطفه و دغدغه‌های حاکم بر روح شاعر بوده و به‌مانند یک تابلوی نقاشی، چهره جامعه را در معرض دید همگان قرار می‌دهد. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی بر مبنای جامعه آماری سروده‌های غاده السمان انجام گرفته است. در سروده‌های غاده السمان، مضامین مربوط به انسان و مسائل اجتماعی، چشمگیر است و شاعر دردکشیده‌ای بسان غاده، مسائل سیاسی و اجتماعی را به حساسیت یک قاضی واکاوی و بررسی کرده است؛ تصویری گویا از زنان جامعه خویش را بر ملا می‌کند، با مرد به رقابت برنمی‌خیزد، بلکه حقوق پامال‌شده زنان را مطالبه می‌کند، برای هر چیزی مجدانه در تلاش است و به‌صراحت به انتقاد می‌پردازد. نهایت اینکه غاده السمان، نسبت به هیچ مسئله سیاسی-اجتماعی و انسانی سکوت نکرده و بی‌تفاوت نبوده است؛ فارغ از جنسیت بر قله انسانیت استوار می‌ایستد و هیچ چیز از پیش تعیین‌شده‌ای را نمی‌پذیرد، تابوشکنی می‌کند و نسبت به همه مسائل اعم از انسانی، حقوقی، برابری، جنسیت، آزادی، عدالت، سیاست، زندگی، آزاداندیشی، مرگ، خفقان و سانسور، ظلم و ستم و نیز عشق توجه نشان می‌دهد. وی تسلیم‌ناپذیر و پرسشگر است و آزادیخواه.

کلیدواژه‌ها: شعر عربی، انسان، اجتماع، سیاست، غاده السمان.

نحوه ارجاع به مقاله:

انصاری کیا، امید؛ عبدالله عابدی خواه، محسن (۱۴۰۴). واکاوی مضامین انسانی و اجتماعی در آثار غاده السمان. فصلنامه مطالعات زبان و ادبیات

غنایی. ۱۵ (۵۶)، ۲۶-۴۲. Doi: 10.71594/lyriclit.2025.1129568

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Studies in Lyrical Language and Literature. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



۱- مقدمه

در میان شاعران زن عرب کسانی هستند که با درک حقایق تلخ جامعه در کشورهای مختلفی از جمله: مصر، سوریه و عراق، سعی در اثبات وجود خویش در جایگاه انسانی آزاد و اصلاح طلب و اثبات حق و برابری داشته‌اند. زنان ادیبی مثل نازک الملائکه، باحثه البادیه از جمله کسانی بوده‌اند که نقش مهمی در این امر داشته‌اند، اما پیشگام آنان را می‌توان غاده السمان دانست. غاده از جمله شاعران متعهدی است که روشنفکرانه مشکلات امروز جهان عرب را با مسائل مربوط به زنان و مردان جامعه خود بررسی می‌کند و نسبت به آنها درکی ژرف و صحیح دارد؛ چرا که با احساس غنی شاعرانه و قدرت بیان خود توانسته است مفاهیم والا و مضامین ژرف و جاودانه انسانی را در شعر خویش بیافریند. از آنجا که ارزش انسانی افراد به میزان احساس درد و تعهد آنان در قبال دیگران است و غاده السمان، شاعری در حد اعلا این احساس انسانی است، لذا در این پژوهش، در پی آنیم تا پس از معرفی شاعر با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی مهم‌ترین دغدغه‌های انسانی و اجتماعی از قبیل عشق، تنهایی، بی‌اعتمادی، آزادی‌خواهی، اصلاح طلبی که در سراسر اشعار وی هویداست، بپردازیم.

هدف غاده السمان از اینکه انسان را مبنای شعرش قرار می‌دهد و تلاش می‌کند تا دغدغه‌های او را در آیینۀ شعرش به تصویر کشد، این است که او در در دنیای جدید زندگی می‌کند و واقعیت‌ها، نیازهای ممنوعان خود و علل و عواملی را که زمینه‌ساز شرایط نابسامان جامعه گردیده، به خوبی می‌شناسد و در عین حال همچون مصلحی اجتماعی در صدد رفع کاستی‌ها و ناکامی‌های آنهاست و با انتقاد از عوامل نابسامانی جامعه و عملکرد آنها در پی بنیان نهادن جامعه‌ای آرمانی و حفظ روابط اجتماعی است. او می‌خواهد به مشکلات جامعه عرب و ظلم‌هایی که بر آنها وارد شده، پایان دهد و قلم، تنها سلاحی است که در دست دارد؛ بنابراین خواسته‌های درونی خویش را با زبان شعر بیان می‌کند. او در اشعار خویش ضمن احترام به داشته‌های اصیل انسانی، جامعه و خصوصاً جامعه زنان را به نوعی دیگراندیشی در دنیایی که به سرعت به سوی پیشرفت‌های مدنی، فرهنگی و اجتماعی پیش می‌رود، فرا می‌خواند. شعر او، پیامی است در گسترۀ هویت انسانی که زنانگی، از بارزترین خصوصیات آن است.

۱-۱. پیشینه پژوهش

با بررسی منابع موجود، پژوهش مستقلی در زمینه تجلی انسان در آثار غاده السمان یافت نشد؛ اما پژوهش‌هایی در زمینه‌های مرتبط با این موضوع دیده می‌شود، از جمله «تأثیر زبان و اندیشه فروغ فرخزاد بر شعر غاده السمان»، از حسن اکبری بیرق و سحر بهلولی، این پژوهش تأثیرپذیری غاده السمان از فروغ را در حوزه تفکر و اندیشه، هستی‌شناسی، سیاست و اجتماع بررسی می‌کند. «الحب فی کتابات غاده السمان» (۱۳۸۴) از بتول مشکین فام، در این پژوهش فقط جنبه‌های مختلف عشق از نگاه شاعر بررسی شده است، اما پژوهش حاضر از زوایای متفاوت به بررسی مهم‌ترین مضامین انسانی، اجتماعی و سیاسی، در سروده‌های غاده السمان می‌پردازد.

۱-۲. معرفی غاده السمان

«غاده السمان در ۱۹۴۲ در دمشق متولد شد. پدرش، دکتر احمد السمان، رئیس دانشگاه سوریه و وزیر آموزش و پرورش بود. او تحصیلات دانشگاهی را در رشته ادبیات انگلیسی از دانشگاه سوریه به پایان رساند و کارشناسی ارشد خود را در دانشگاه آمریکایی بیروت و دکتری ادبیات انگلیسی را در دانشگاه لندن گذراند. در سال ۱۹۷۷ موسسۀ انتشارات غاده السمان را تأسیس کرد و تنها آثار خود را به چاپ می‌رساند و جز این فعالیت تجارتي نداشت» (فرزاد، ۱۳۸۰: ۲۰۳). غاده در سال ۱۹۶۲ در بیست سالگی، اولین کتابش را با نام عیناک قدری (چشمانت، سرنوشت من است) منتشر کرد و دومین کتاب لایحه فی بیروت (در بیروت: دریایی نیست) در سال ۱۹۶۳ منتشر شد. سپس به اروپا سفر کرد و تحت تأثیر این سفر در سال ۱۹۶۶

کتاب لیل الغرباء را به چاپ رساند. در رمضان ۱۹۷۳ شکست اعراب از اسرائیل باعث شد که غاده به چاپ و انتشار رمان «بیروت ۷۵» در اواخر سال ۱۹۷۴ و همچنین رمان «کوابیس بیروت» در سال ۱۹۷۶ همت گمارد. آثار غاده به زبان‌های زنده دنیا ترجمه شده است؛ گزیده‌هایی از برخی دفترهای شعری وی را عبدالحسین فرزاد به زبان فارسی در پنج جلد منتشر کرده است. غاده در نامه‌ای که به خوانندگان ایرانی نوشته است می‌گوید: قصه‌ها و رمان‌هایم به سیزده زبان ترجمه شدند، اما برای نخستین بار، ایرانیان بودند که اشعارم را ترجمه کردند؛ زیرا که عاشقان، راز معشوقان را در می‌یابند (السمان، ۱۳۸۷: ۱۵).

از مهم‌ترین آثار او می‌توان از البحر یحاکم سمکته، الرغیف ینبض كالقلب، أشهد عکس الریح، الحب من الوريد الی الوريد را نام برد. در میان شاعران عرب، بانو غاده السمان نخستین شاعری است که از اصطبل جانوران اهلی عرب بیرون آمد و اسب سرکش عربی را در صحرای گسترده و پرنور عرب رها کرد و انتقادهای تندى را علیه جامعه عقب‌مانده خود سردادند، جامعه‌ای که همه ارزش‌های خود را از دست داده است و مردمانش تنها به مادیات توجه دارند و بی‌بندوباری سرتاسر آن را فرا گرفته است. لذا اینگونه از مردمی می‌نالد که ثروت را بر علم و هنر برتری داده‌اند «عبثاً تعلمنی مدرسه الغربه / أن المال هو الشعر ... / و أن دفتر الشیكات هو دیوان العرب» (السمان، ۱۹۹۸: ۷۶).

۲- مهم‌ترین مضامین انسانی و اجتماعی در آثار غاده السمان

۲-۱- نگاه نمادین

غاده، به دلیل خفقات حاکم بر جامعه عربی، برای بیان نابسامانی‌های اجتماع و به تصویر کشیدن فضای آشفته جامعه و زندگی مردم، از نماد بهره برده است: «اللیل یحزن قلبی کجرح حزین / کالمطر الأسود / فی محطة قطار نائبه» (السمان، ۱۹۹۶: ۳۹). ترجمه: «شب قلبم را بسان زخمی دردمند و بارانی سیاه در ایستگاه قطار دادستان محزون می‌کند». شب، به دلیل ماهیت و ویژگی‌های خاص خود؛ یعنی ظلمانی و تیره و تار بودن، سکوت و مانند آن، تداعی‌کننده فضایی هولناک در ذهن است و معمولاً خاستگاه حوادث شوم و اتفاقات ناخوشایند بسیاری است. غاده السمان با در نظر گرفتن این ویژگی‌ها، در ترسیم جامعه، «اللیل: شب» و «المطر الأسود: باران سیاه را نماد ظلم و ستم حاکم بر جامعه و بیان آشفتگی‌های سیاسی و اجتماعی می‌داند که زندگی مردم را پیوسته «مثل نزول قطرات باران» تحت الشعاع قرار داده، سایه سیاه و سنگین خود را بر تمامی جنبه‌های زندگی آنان گسترده است. لذا شاعر «اللیل» را که در این جا رمز اوضاع آشفته جامعه است، عامل نگرانی خود و هموعانش می‌داند همنشینی این واژه با واژه «المطر الأسود» فضای مخوف و هولناک در شعر را تقویت می‌کند و تصویری از شدت بحران و هرج و مرج جامعه به نمایش می‌گذارد. این هنر وی نشانه احساس مسئولیت شاعر در برابر جامعه است. شاعر در قالب این تصویرسازی، القاگر رسالت خود؛ یعنی نهایت اعتراض به جامعه معاصر است. به تعبیر سید جعفر شهیدی «شاعر، خود انسانی است که در اجتماع به سر می‌برد و آنچه به او الهام می‌شود، واقعیت‌هایی است که در اجتماع بر او می‌گذرد. بدین ترتیب، شعر شاعر، انعکاس اجتماعی است که او را پرورده و به او مجال بیان احساس داده است (شهیدی، ۱۳۶۵: ۶۰). لذا باید گفت که شعر غاده السمان، شعری اجتماعی است.

۲-۱-۲. زن‌ستیزی

و بالاسم «الحب» حاولت ان تحیط عنقی بشریط هاتف / و تربطنی الی ساق السریر / کاکلب صغیر، یقطن الانتظار / و یهز بذیلہ مرحبا بک باستمرار... (السمان، ۱۹۹۲: ۱۲). ترجمه: و به اسم عشق تلاش کردی که با سیم تلفن بر گردنم احاطه پیدا کنی / و مرا به پای تخت ببندی / همچون سگ کوچک منتظر / در حالی که پیوسته دمش را به نشانه انتظار تکان می‌دهد. شاعر با بیانی عاشقانه ولی صریح و کوبنده بر ستم و استمرار مردان که در طول تاریخ، همیشه جاری بوده و در جامعه کنونی برقرار است، شورش می‌کند و شاید تلویحاً اشاره‌ای به این داشته باشد که زن در جامعه عرب از «حق رأی» محروم است و به صراحت اعلام

می‌دارد که در این جامعه، دموکراسی و رعایت حقوق زنان برقرار نیست و نیز به سلطه و تحکم مردان بر جامعه کنونی شاعر اشاره شده است: «ها انا اقف علی حافه القرن الحادی و العشرين / امراه راسبه فی المدرسه البغاوات / رومانیتها من القرن التاسع عشر و عقلها علی حافه الحادی و العشرين (السمان، ۱۹۹۹: ۶۶): اینجا من در لبه قرن بیست و یکم ایستاده‌ام / زنی که در مدرسه طوطیان شکست خورده / عاشقانه او متعلق به قرن نوزدهم است و ذهنش در لبه قرن بیست و یکم است. مدرسه طوطیان، نمادی از جامعه شاعر است که زنان از هر نوع اظهار نظری محرومند؛ شاعر می‌گوید احساساتش در گذشته مانده، اما عقلش به‌روز است و اندیشه‌ای پویا دارد و تابع و اسیر احساسات نیست: «حین سقطت سهواً علی هذا الکواکب / اکتشفت ان حقوقی لا تتعدی الاکل و الشرب و الانجاب و الموت / فقررت أن اضیف الیها حق فی الطیران (السمان، ۱۹۹۹: ۳۴).

۲-۱-۳- حقوق زنان

هنگامی که به طور اتفاقی بر روی این کره افتادم / دریافتم که حقوق من، از خوردن و آشامیدن و زادن و مرگ تجاوز نمی‌کند/ پس، تصمیم گرفتم که حق پرواز را به آن اضافه کنم. شاعر، چیزهای بدیهی، از پیش تعیین شده و جبری را به باد انتقاد می‌گیرد و «حق پرواز» را که نشان نوعی تفکر آزاداندیشی است بر آن می‌افزاید و صریحاً خواستار تجدید نظر در حقوق منظور شده می‌شود.

۲-۲- غاده السمان در نقش منتقد اجتماعی

۲-۲-۱- زبان طنز، تعریض و متناقض‌نما

متمرده علی دیکتاتور یلبس عمامه المعاوضه / و جلاد يحاضر عن الحریه و و ينظر فرصته لاغتيالها حلسه / متمرده علی علی الذین یبشرون بالمحبه و العدل / و الدماء تسيل من کعوب جزماتهم (السمان، ۱۹۹۹: ۱۳۰): من عصیان می‌کنم بر دیکتاتوری که عمامه مخالفت بر سر می‌نهد / و می‌شورم بر جلادی که درباره آزادی حرف می‌زند، در حالی که منتظر فرصت مناسبی است تا او را ترور کند / شورش می‌کنم بر کسانی که مژده محبت و عدل می‌دهند، در حالی که خون از چکمه‌هایشان جاری است. شاعر در اینجا از مظاهر پوشالی رهبران جامعه (ریا، توهم و دروغ) سخن می‌گوید و با تصاویر متناقض‌نمای «آزادی و ترور» و «عدل و جاری شدن خون از چکمه‌ها» و «دیکتاتوری و عمامه» خواننده را به کنه مطلب می‌برد و آگاهی می‌دهد و نقادی می‌کند و به شدت با چاشنی طنز و تعریض، برجسته می‌کند.

۲-۲-۲- زن‌ستیزی

ارتدی قناع الصمت ... / و عباده الرياح الغامضه... / و وشاح شهرزاد / و أثراثرثر / کی لأقول شیئا / شهریار لم یألف الحوار مع نسائه / الا عبر سیافه (السمان، ۱۹۹۶: ۷۰): او نقاب سکوت می‌زند / و عبای بادهای فروخته را می‌پوشد / و تاج شهرزادان بر سر می‌نهد / و حرف‌های بیهوده می‌زند / تا من چیزی نگویم / شهریاری که به گفتگو با زنانش / تنها از طریق شمشیر الفت گرفته بود. شاعر، جامعه‌ای را ترسیم می‌کند که شاهزاده، با زبان شمشیر با زنانش به گفتگو می‌پردازد و زنان، حق هیچ گونه آزادی و اظهار نظری را ندارند و به همین خاطر با زبان انتقادی و شفاف به این عادات ناعادلانه می‌پردازد.

۲-۳- مرگ‌اندیشی

اگر زندگی خود معنایی داشته باشد، رنج و میرندگی نیز معنا خواهد یافت، این معنا را نمی‌توان به دیگری تلقین کرد. هر فرد باید معنای زندگی خود را جستجو کند و مسئولیت آن را بپذیرد. «گفتاری از نیچه نقل می‌کنند که کسی که چرایی در زندگی دارد، با هر چگونگی خواهد ساخت» (فرانکل، ۱۳۹۰: مقدمه). فالموت فیہ الحیاتی / و فیہ حیاتی قتلی (السمان، ۱۹۹۶: ۱۵۶): پس در مرگ، زندگانی من نهفته است و در زندگانی من، کشته شدنم قرار دارد. شاعر به مرگ می‌اندیشد و مرگ و زندگی را در کنار هم می‌بیند.

۲-۳-۱ نگاه اگزیستیالیستی

هستی‌گرایی، جریانی فلسفی و ادبی است که پایه آن بر آزادی فردی، مسئولیت و نسبیت‌گرایی است. از دیدگاه این مکتب، هر انسان، وجودی یگانه است که خود سرنوشت خویش را روشن می‌کند و مهم اوست که بدون سرنوشت و تقدیر پیشین در این جهان رها شده و تنها مرگ است که از پیش برای او مقدر شده است. زمانی که وجود انسان، اصل و اساس تفکر اگزیستانسیالیسم است؛ مرگ، روی دیگر سکه هستی و وجود رخ می‌کند و آدمی هر لحظه امکان دارد که دیگر نباشد. غاده می‌گوید: آنگاه که می‌میرم / درون این برگه را خوب جستجو کن / به تالار کلماتم برو / مرا میان سطرها می‌یابی. غاده، از این مکتب بی‌تأثیر نبوده است. از این رو، به پدیده حاکم و ویرانگر هستی یعنی مرگ، بسیار پرداخته و سهم بسزایی از آثار خود را به این موضوع پراهم و رمزآلود اختصاص داده است. غاده می‌سراید: زندگانیم به مرگم می‌گوید: دوست می‌دارم ...؛ زیرا اگر تو نبودی، بی‌گمان من می‌زیستم بی آنکه زنده باشم و در جدال مرگ و زندگی همیشه جانب زندگی را گرفته و مرگ را مجبور به شکست در برابر خود می‌کند مگر آن که مرگ در راه وطن، آزادی، عشق و مانند آن باشد: کیف / انساک / الذی أحبه / لقد شاركتها معك مرة واحدة / والموت مرآت عديدة (السمان، ۱۹۹۶: ۱۲۱). چگونه فراموش کنم؟ / که من عشق را / یکبار با تو تقسیم کردم / و مرگ را بارها.

۲-۴-۱ نگاه رئالیستی

أنا خائف! / عندما كثيرا / في مرآة مكسورة / أحرق! / ربما، / لأن المرايا المكسورة / إنه عاكس / من الوجوه الحقيقية بداخلنا! كما لو كان اليوم / إنه وقت الأشياء المكسورة! (السمان، ۱۹۹۶: ۱۳۲). می‌ترسم! / آنگاه که بیش از حد / در آینه شکسته خیره می‌شوم! / شاید / چرا که آینه‌های شکسته انعکاسی است از چهره‌های واقعی درون ما! / گویی امروز زمانه چیزهای درهم شکسته است!

۲-۴-۲ خفقان و سانسور

غاده می‌سراید: می‌خواهم هر روز اندیشه‌هایم را سانسور کنم! / پودر رختشویی هم لازم دارم / برای شست و شوی مغزی! / مغزم را که شستم، پهن کنم روی بند / تا آرمان‌هایم را باد با خود ببرد به آنجایی که عرب نی انداخت / می‌دانی که؟ باید واقع‌بین بود! / صداخفه‌کن هم اگر گیر آوردی، بگیر! / می‌خواهم وقتی به جرم عشق و انتخاب / برچسب فاحشه می‌زنندم / بغضم را در گلو خفه کنم! / یک کپی از هویتم را هم می‌خواهم / برای وقتی که خواهران و برادران دینی به قصد ارشاد، فحش و تحقیر تقدیم می‌کنند / به یاد بیاورم که کیستم! / ترا به خدا ... اگر جایی دیدی حقی می‌فروختند / برایم بخر ... تا در غذا بریزم / ترجیح می‌دهم، خودم قبل از دیگران حقم را بخورم! / آخر، اگر پولی برایت ماند / برایم یک پلاکارد بخر به شکل گردنبند / بیاویزم به گردنم ... و رویش با حروف درشت بنویسم: من یک انسانم! / من هنوز یک انسانم / من هر روز یک انسانم! (السمان، ۱۹۹۶: ۱۰۱). از تمامی سطرهای این شعر وی، به وضوح فضای پرخفقان و حذف زنان محسوس است و او که زنی شاعر حساس به واقعیت‌های اجتماعی است، آنها را به روشنی در شعرش متبلور کرده است.

۲-۵-۱ بازگشت به اصل

علمنی / كيف يعود العطر إلى ورده / حتى أعود إليك / الأم! / علمنی / كيف يتحول الرماد إلى رماد مرة أخرى و النهر المصدر / و البروق إلى السحاب / و كيف يرحل الخريف من جديد إلى الأغصان / يعود / حتى أعود إليك / عندما أسمع صوتك / أظن / أنه يمكنني أن أشعلك مرة أخرى / و على مداخل حقولك / سأموت مرارا وتكرارا / كل شيء هنا مزعج بالنسبة لي / لم يتم العثور عليه (السمان، ۱۹۹۶: ۳۵۰). به من بیاورم / چگونه عطر به گل سرخس باز می‌گردد / تا من به تو بازگردم / مادر! / به من بیاورم / چگونه خاکستر، دوباره اخگر می‌شود / و رودخانه، سرچشمه / و آذرخش‌ها، به ابر / و چگونه برگ‌های پاییز دوباره

به شاخه‌ها/ باز می‌گردد تا من به تو بازگردم/ آنگه که صدای تو را می‌شنوم/ می‌پندارم/ که می‌توانم دیگر بار از تو شعله‌ور شوم/ و بر مدخل کشتزارانت / بارها و بارها، جان دهم/ اینجا، هر آنچه برای من آزاردهنده است/ یافت نمی‌شود. این مورد نیز از مواردی است که عموماً شاعران معاصر بدان پرداخته‌اند.

۷-۲- عشق

مانند بسیاری دیگر از شاعران، غاده نیز عشق را الهام‌بخش می‌داند و عامل پیوند با مردم. در عین حال وی نگاه دیگری نیز به عشق دارد که تنها به ذکر این موارد بسنده می‌کنیم.

۷-۲-۱- عشق، معضل اجتماعی و حتی رسوایی بزرگ

غاده، عشق را پدیده‌ای می‌داند که در جامعه عربی معنی و مفهوم واقعی و مقدس خود را بازیافته، بلکه بر عکس، معضلی اجتماعی و حتی رسوایی بزرگ معرفی شده است. طرز نگاه جامعه عرب، نسبت به عشق برای او پذیرفتنی نیست و سعی می‌کند با زبان و ترکیباتی نو، اندیشه‌های خود را بیان کند. غاده، شاعری است که در بیان عشق بی پرواست و عشق خود را بی‌پرده به زبان می‌آورد. هدف او از این گستاخی و بی‌پروایی، شهوت‌رانی و ترویج برهنگی نیست، بلکه می‌خواهد حق حیات و آزادی زنان را تثبیت کند. او با نگاهی اجتماعی به جامعه‌اش، عشق را به تصویر می‌کشد و معتقد است نیاز به تکامل انسانی است که عشق را می‌آفریند: «أحب انساناً/ ما دون أن أحمي من عدم قدرته على الارتقاء/ إلى مضاف الآلهة.../ أنانيتي كانت خارجة إلى الحبيب الذي تحرمه من حق الخطاء و الألم و الموت.../ و لم أجد سواها..» (السمان، ۱۹۹۸: ۱۴۴).

۷-۲-۲- عشق و نابرابری جنسیتی

عشق، از دیدگاه زنان عرب را می‌توان در مجموعه «زنی عاشق در میان دوات» که منتخبی از شعرهای عاشقانه اوست و همچنین «غمنامه‌ای برای یاسمن‌ها» و «در بند کردن رنگین کمان» مشاهده کرد. او در این اشعار به بیان مسائل عاشقانه به گونه‌های ناصحیح و نابرابر عاشقانه بین زن و مرد اشاره دارد و این اجحاف و نابرابری و مظلوم شدن جامعه زنان را حتی در دنیای عواطف نمی‌پذیرد: غاده، در داستان‌هایش نیز همین رویه را دنبال می‌کند و به استقلال زنان در مسائل عاطفی و عاشقانه تأکید می‌ورزد. در مجموعه «زمن الحب الآخر» از زبان شخصیت زن داستان، نظرش را در این مورد اینگونه بیان می‌کند: «أنا بحاجة إلى نفسي في الدرجة الاولى...! / أحبك، / لكنني لا أستطيع أن أكون مجرد صدی لرغباتك./ مجرد صدی لموهبتك.» (همان، ۶۵). من قبل از هر چیز به خودم نیاز دارم! / من تو را دوست دارم، اما نمی‌توانم صرفاً پژواک آرزوهای تو باشم/ صرفاً پژواک استعداد تو. و یا: أحب/ إنه سلاح في يد أحد/ التي نحبها/ إنه يمكنهم/ لإيذاءنا/ و اتركونا و شأننا (همان، ۹۵): عشق/ اسلحه‌ای است در دستان کسانی/ که دوستشان داریم/ به آن‌ها، قدرت می‌دهد/ که زخمی‌مان کنند/ و تنهایمان بگذارند. در طول تاریخ ادبیات عرب، اندیشه مرد سالاری، غالب بود و ادبیات که بازتاب هنرمندانه فرهنگ عمومی، رویدادهای جامعه و باورهای ملی است، به عنوان ارزنده‌ترین وسیله انتقال، آشکارکننده واقعیت‌ها و بیان‌کننده حقایقی است که توسط آن، هنرمند و جامعه گذشته را می‌توان عریان دید، علت محدودیت و ممنوعیت و فرودستی زنان را می‌توان از فحوای کلام قلم به دستان پیشین دریافت، همچنین می‌توان خاستگاه بینش‌های بدبینانه را از سطر سطر آثار عرفا، حکما و ادبا بازجست و ریشه این معضل را در مسائل اجتماعی، چارچوب تنگ فکری و زندگی غیر تولیدی و انگل‌واری که به زن تحمیل شده بود، باز یافت و در طول سده‌ها، فرآیندی جز خودکم‌بینی، خودناباوری و سکوت، از زنان نمی‌توان انتظار داشت.

۷-۲-۳- عشق و هویت انسان‌ها «خرد و انسانیت»

احترام به ارزش انسان و سعادت او در راستای فرد از پیامد شعر غاده است. جایی که ارزش گذاری، به فرد می‌رسد، جنسیت مطرح نیست. در تفکر غاده خردورزی مرد و زن نمی‌شناسد، خرد و انسانیت در سایه عشق، برتر از هر چیزی است،

و این چنین انسان و اصالت به او را در شعر خود نشان می‌دهد. «آنان، همه چونان پیاز، پوست بر پوست بودند / من با اشک نزد آنان می‌آیم و در جستجوی قلبشان، پوست را سپسِ پوست می‌گشایم / تا آنگاه که قشان را می‌یابم که پوست است با این همه، آنان را دوست دارم» (مدنی، ۱۳۸۵: ۷۶). به تعبیر ادیب هندی، تاکنون شناخت حقیقت انسان به دور از جنسیتش، برپیش پوشیده مانده است. و کسی نمی‌تواند عظمت و بزرگی او را دریابد و همچنان سری است ناشناخته: «إن احدا لا يستطيع أن يعرف مدى عمق عظمة الإنسان / وإن معرفه حقيقة الإنسان تفوق حدود طاقتنا العقلية / فإ الإنسان يستطيع أن يطير على العليا خارج حدود السماء / ولكن عظمته مازالت غير معروف» (محمد زکی، ۱۹۵۹: ۲۰۲). در طول تاریخ عرب، تا همین دهه‌های اخیر تعداد شاعران و هنرمندان زن به قدر انگشت شمار بوده است؛ تا جایی که می‌توان آن را مصداق «النادر کالمعدوم» به شمار آورد. این مسأله، در حوزه شعر و شاعری شگفت‌انگیزتر است. از این تعداد اندک شاعران زن، که از قضای روزگار دفتر و دیوانی هم فراهم آورده‌اند و چنان مردانه، سخن گفته‌اند که تشخیص جنسیت گوینده، امری شبیه به محال به نظر می‌رسد؛ می‌توان به غاده السمان اشاره کرد که در شعر عربی به سنت شکنی پرداخت و علم شعر زنانه گفتن را برافراختند، و یک تنه بر ضد ارزش‌های جاری جامعه خویش قیام کردند؛ و با صراحت و شجاعت تمام، به صورت نمادین بر ظلمی که در طی اعصار و قرون بر جوامع عربی رفته است، اعلان عصیان و نافرمانی می‌کند و اینچنین جان خود را به دست می‌گیرد و فریاد «نه» سر می‌دهد. «و أفق بالرفض / أمام مستنقع الرمال المتحركة الشاسعة / بين عدن و طنجه ... / وأعلن أن لا لن نركع للبعشة / و لن نرضى برؤية الحصان العربي الجميل / بعيداً عن براري الضوء / في اسطبل التدجين....» (السمان، ۱۹۹۳: ۲۸). شاعر، در این بند از شعر خود، خود مختاری زن را به اسب زیبای عرب که باید در صحراها به تاخت و تاز باشد نه در اصطبل تاریک (فرهنگ منحنط و بسته عرب)، مانند می‌کند. لذا، پیام شعر این است که در آزادی و عشق، جنسیت مطرح نیست. در اجتماعی که زن، حکم کالای تجارتي را دارد و قبل از این که عضو مؤثر جامعه باشد، وسیله اطفای امیال مرد است، قیام فردی زن جنبه جنسی خواهد داشت. زنی که می‌خواهد در چنین محیطی به تنهایی و بدون اتکا به درک اجتماعی یا فلسفه خاصی قیام کند، ناچار بی پروایی و شهامت خود را در بیان حادترین و وحشی‌ترین و در عین حال قشری‌ترین احساسات خود، بروز خواهد داد، چنین زنی همه محرومیت‌ها و اهانت‌هایی را که متحمل شده است ناشی از سلطه مرد می‌داند. (مرادی کوچی، ۱۴۶: ۱۳۸۴). غاده السمان، نیز از این امر مستثنی نیست، اما دیدگاه او اندکی متفاوت و تکامل یافته است. غاده، بر تحکیم روابط واقعی برخاسته از راستی، عاطفه و تساوی میان زن و مرد اصرار دارد و آن را نماد پیوند و منبع قدرت می‌داند، تجسمی عینی از سنت طبیعت و استیلای زندگی؛ به اعتقاد وی این چنین رابطه‌ای نیازمند مرد و زنی ایده‌آل است به گونه‌ای که مرد، یگانه حقیقت زندگی زن باشد و زن، شالوده حال و آینده زندگی مرد را تشکیل دهد. مرد آرمانی، که هم لطیف است و هم مقتدر، پاکی وجود زن را کشف می‌کند و یاری‌گر او در دنیای سرگشتگی‌ها و سرگردانی‌هاست و زن آرمانی، هموست که با برخورداری سرشار از فرهنگ و آگاهی می‌کوشد تا در عین حال که به لحاظ فکری و عملی مستقل از مرد است، با دلسوزی و گذشت توأم با صدق، کرامت و توازن در اندیشه با مرد، همفکری و همراهی عاطفی داشته باشد. انسان دوستی او حقیقی است، نه کسالت بار و غیر حقیقی، چنانکه خود می‌گوید: «لا أريد الألفة الكسول بيننا / كالألفة بين اليد و فرشاة السنان» (السمان، ۱۹۹۹: ۱۰). این روحیه انسان دوستی و به جامعه بشری اندیشیدن، او را از قلمروی سوریه بیرون می‌آورد تا همه انسان‌ها را در این کره خاکی با وجود تفاوت در زندگی، اندیشه و سنت دربرگیرد. بسیاری از منتقدان عرب از خواندن آثار غاده السمان، شگفت زده شده‌اند؛ از جمله می‌توان به محمد مهدی جواهری اشاره کرد که می‌گوید: «من از آنچه غاده السمان می‌نویسد سخت در شگفتم، آثارش را خواندم مبهوت شدم و به خود بالیدم که جهان عرب، زنی نویسنده در این سطح دارد. (السمان، ۱۳۸۵: ۱۰). ولادیمیر شاگال درباره او می‌گوید: «می‌توان قصه «دوساعت و کلاغ» نوشته

غاده السمان، نویسنده سوری، که آن را به روسی ترجمه نمودم، نمونه‌ای درخشان از توجه ادب عرب به موضوعات جدیدی دانست که زاینده تحولات اجتماعی است. (فرزاد، ۱۳۸۶: ۱۰). «عبدالحسین فرزاد درباره ویژگی شعری غاده می‌گوید: شعر غاده السمان، تغزلی در معنای کلاسیک آن نیست بلکه شعری انسانی در معنای اومانستی آن است. هدف غاده السمان و امثال او، تکامل است. به همین سبب است که این شاعر، همچنان که با مرد سخن می‌گوید به تمامی مصائب انسان نظر دارد. او، پایمال شدن حقوق زن را در طول تاریخ انسان، پایمال شدن حقوق کل بشر می‌داند. او به مرد عشق می‌ورزد در حالی که می‌داند مرد در یک نظام پدرسالار اجباری، که بر اثر سوءتفاهم به صورت امری طبیعی درآمده است، به حقوق او تجاوز می‌کند...» (فرزاد، ۱۳۸۲: ۱۵). اگرستانسیالیست‌ها معتقدند که وجود انسان، مقدم بر ماهیت اوست. این قضیه، نزد شاعران معاصر جلوه و نمود خاصی دارد به طوری که عبدالصبور معتقد است: «وجود، اولین چیزی است که به انسان داده می‌شود» (عبدالصبور، ۲۰۰۶: ۵۸). غاده السمان، هم برای انسان و وجود او اهمیت خاصی قائل است؛ به عبارتی انسان از نظر او در همه حالات اعم از درد و شادمانی، آزادگی و بندگی، بزرگی، زندگی و مرگ، موضوع اول و آخر شعر است. لذا می‌توان گفت که شاعر، تحت تاثیر رمانتیک غرب بوده و این گرایش رمانتیکی همانطور که دیدیم در جای جای اشعار وی هویداست. او ضمن به نقد کشیدن جریان‌های مرد ستیز معاصر در بسیاری از جوامع به یکی از این جریان‌ها اشاره کرده و می‌گوید: «من همواره در برابر وارد کردن آزادی به طریق آمریکایی، که مرد را دشمن می‌یابد ایستاده‌ام و خواستار همانندی بین زن و مرد نیستم بلکه خواهان تکامل هستم؛ زیرا مادامی که زن، کودکان را به دنیا می‌آورد، همانندی غیر واقعی است و تکامل میان آن دو مطلوب است. پشاهندگان آزادی زن در آمریکا، اخیراً به صورت مسخره‌ای درآمده‌اند. آنان، زنان را به زیاده‌روی کشانده‌اند تا آنجا که خواستار حقوق مادر در مرخصی‌های بعد از بارداری و غیره شدند. در حالیکه پیش از آن به جهت مساوات با مردان آن را رد کرده بودند، اما قبول نکردن زیاده‌روی زنان غربی برای من به موازات قبول نکردن کوبیدن مردان عربی به نفع زن است. مهم این است که ما در چاه ویل افراط و تفریط سقوط نکنیم. لازم است برای مصلحت آزادی زن، اعتدال و تحول آرام و پیوسته برقرار گردد.» (فرزاد؛ ۱۳۸۵: ۲۱).

غاده، نیز از جمله شاعرانی است که تصویری نورانی و روشن از زن ارائه می‌دهد. غاده، تصاویر تحقیرآمیز و نقش منفعل و توصیف غیر واقعی از زن را در اذهان پاک نمود. او، زن را به عنوان یک موجودی اجتماعی که تمامی حقوقی را که برای مردان متصور است، اعتلا بخشید و آنچنان هویت و شخصیتی به زن هدیه کرد که هرگز در تاریخ ادبیات معاصر عرب جز در شعر او و اشعار نزار قبانی، چنین تصویر زیبایی از زن بیان نشده بود. این تصویر نقطه مقابل تصویر پیشین زن در فرهنگ سرزمین‌های عربی است. تصویری که به رؤیا بیشتر مانند بوده تا به واقعیت و در حجابی از خیال و عشق و تحقیر قرن‌ها رازگونه زیسته بود. حضور زن در بیشتر آثار ادبی به انگیزه عشق، هوس، شهوت، نابکاری، مکر و بی‌وفایی است و حیات حقیقی او، از انصاف و واقعیت، به بیداد آمیخته است. جنسیت، در شعر غاده السمان به خوبی مشخص است و به نظر می‌رسد آگاهانه، سعی کرده است نگرش زنانه خود را بدون محافظه کاری مطرح کند. این شاعر عرب که خود را پیرو اندیشه‌های فمینیستی رایج غرب نمی‌داند به خوبی نسبت به جایگاه نابرابرانه زن عرب و زن شرقی آگاه است.

۲-۷-۴- عشق و جسارت زنانه

از ویژگی‌های مهم شعر «غاده» این است که او جسارت زن بودن را وارد شعر عرب کرد. زن عرب در محیط بسته فرهنگی زندگی می‌کند که نمی‌تواند بسیاری از احساسات درونی خود را ابراز کند، اما غاده کسی است که نه تنها این احساسات را بروز می‌دهد بلکه آنها را افشا می‌کند. احساسات زن عرب، همچون رازی سر به مهر قرن‌هاست که در تاریخ اعراب نهفته است. رازی که هیچ کس حق بازگو کردن آن را ندارد. این احساسات از محیط‌های بسته فردی بیرون نیامده و هیچ وقت

جسارت اجتماعی بودن را نداشته است، اما شعر غاده السمان، بیش از هر چیز، شعری افشاگر است. او نه تنها به احساس درونی خود در جایگاه یک زن توجه می‌کند و آنها را بیان می‌کند بلکه رابطه خود را با محیط اجتماعی پیرامون خود نیز از نو بنا می‌کند.

او هم مثل بسیاری دیگر از نویسندگان و روشنفکران عرب این حق را دارد که نسبت به جنگ اعراب و نسبت به بسیاری از مسائل اجتماعی اعراب اظهار نظر کند. او تمام آنچه را از جهان خود درک می‌کند به بیان می‌آورد. احساسات مدفون شده زنان را برای همگان اظهار کرد. صداقت گفتارش، بی‌پرده سخن راندن، ایجاد فضای تازه در شعر، نگرشی نو، سنت شکنی و ... عوامل ماندگاری شعر او محسوب می‌شوند. او در یکی از اشعارش به نام «اشهد علی عصیان» اینگونه از اعماق زخم‌های انسان‌هایی می‌سراید که کاسه صبر آنان در اجتماعی که همواره به آنها ظلم روا داشته، لبریز شده، از این رو عصیان خویش را اعلام می‌کند و می‌سراید:

«و لن اغفر لك/ فقد تأمرت علی مع اعماقی ... / و منعت التجول فی شوارع عمری ... / و اعلنت الاحكام العرفیه فی شبكتی العصبیه ... / و ها انا اسيرتك! / اركض فی دروتك الدمویة مكبله بالسلاسل / كجذتی الملكة زنوبیا فی شوارع روما ...» (السمان، ۱۹۹۲: ۱۵).

چهره زنانی که غاده، در اشعارش ترسیم می‌کند، چهره‌ای است که اگرچه در طول تاریخ مورد مظلومیت و بی‌مهری قرار گرفته است، اما این بار برای بازپس‌گیری حقوق خود به‌پاخاسته است. غاده، حتی در مسائل عاطفی و عاشقانه نیز بر این عدالت خواهی تأکید دارد. اشعار زیبای مجموعه شعری «در بند کردن رنگین کمان» نمونه‌ای از تلاش او در جهت ترسیم خط‌مشی‌های جدید، در بیان مسائل عاطفی جامعه زنان است.

۲-۸- بی‌اعتمادی

غاده، از اینکه می‌بیند جامعه عربی جامعه‌ای است که اعتماد از آن رخت بر بسته است، رنج می‌برد. غاده، بی‌اعتمادی را افیونی می‌داند که خواب خوش را از چشمان انسان عرب معاصر گرفته است و فضای جامعه عربی را فضایی وحشتناک و ناامن جلوه می‌دهد. غاده، در یکی از شعرهای خود اینگونه به این بی‌اعتمادی در نزد مردم خود اشاره می‌کند:

«أحرق فی الفؤوس / و هی تمشی فی نومها الی الأعناق / و من قاع غربتی / أنادی أحباء الأمس / و اتحسس عنقی بخوف. / ففی الكابوس / أیدیههم الی تحمل الفؤوس.» (السمان، ۱۹۹۹: ۲۰۰). «به تبرها خیره می‌شوم / درحالی که در خواب بر گردنم راه می‌روند / از دشت غربتم / یاران دیروز را ندا می‌دهم / و با بیم گردنم را جستجو می‌کنم / زیرا در کابوس من / دست‌های همین یاران است که تبرها را برداشته است!» (فرزاد، ۱۳۸۶: ۸۶).

غاده، این بی‌اعتمادی را عاملی می‌داند که عشق و دوستی و محبت را از دل‌های انسان عربی ربوده است. ترسیم این فضای بی‌اعتمادی به شاعر فرصتی می‌دهد تا نهایت اعتراض خویش را از فضای ناسالم جامعه عربی ترسیم کند. در شعر دیگری غاده، با بیانی زیبا درصدد است نهایت بی‌اعتمادی موجود در جامعه عربی را ترسیم کند. او دامنه عدم اعتماد را به مسائل عاطفی و عاشقانه نیز می‌کشاند و معتقد است که انسان‌های عربی حتی در عشق نیز به همدیگر اعتماد ندارند و اینگونه از دورویی و بی‌اعتمادی انسان‌های اطرافش شکوه می‌کند و می‌گوید: «إذا صافحتنی / خشیت أن تسرق اصابعی... / و إذا قبلتني أحصیت عدد اسنانی...» (السمان، ۱۹۹۳: ۴۶). «تو جادویی و بد / از اعتماد من به خود می‌هراسی / که آن را دامی می‌پنداری / و از گریز من بیمناکی / که آن را بی‌باکی می‌پنداری.» (مدنی، ۱۳۸۵: ۱۵۸)

۲-۸-۱- انزوا و تنهایی

«بسیاری از پژوهشگران، تنهایی را گسستن از خویش، بدبینی، گوشه‌نشینی، پوچی زندگی و سرخوردگی گرفته‌اند». (النوری، ۱۹۷۹: ۱۳) بدون شک یکی از پیامدهای منفی و غیر قابل اجتناب جامعه مدرن، احساس تنهایی فردی و اجتماعی است. این احساس و عدم پاسخگویی مناسب به این معضل، فرد را به نوعی وخیم‌تر از این تنهایی که همان انزوا اجتماعی است، دچار کرده است. «به آن رنگ از تنهایی که ساخته و پرداخته نهادهای گوناگون اجتماعی باشد، تنهایی اجتماعی گفته می‌شود. نهادهای گوناگون اجتماعی اگر شکاف میان انسان و ارزش‌های بنیادین شخصیت او را پر نکنند، در جامعه، پدیده تنهایی به وجود می‌آید. این تنهایی، فراورده طبیعی سرکوب «من» انسان و بستن راه شکوفایی اوست» (عزالدين، ۲۰۰۶: ۳۱). شرایط در دنیای امروز اقتضا می‌کند که هرکس تنها به خود و مشکلاتش بیندیشد و هیچ کس به دیگران و احساسات و عواطف آنها توجهی نمی‌کند. لذا تنهایی طبع لطیف غاده السمان را با وجود داشتن دوستان زیاد و حتی زمانی که در میان جمع بوده‌اند، آزرده ساخته است «ان أكون معكم و تكونوا معي و لا نكون معاً... ذلك هو الفراق» از این رو به طور مداوم در شعر خود از فقدان یار شکوه می‌کند: «و بأحداق مسحورة تطل على / و من السقف حين أحلوا الى نفسي / ترمقني بنظرات الإحتقار المستخف...». (اکبری بیرق و بهلولی، ۱۳۸۸: ۲۱) ها أنا اركض وحيدة تحت المطر بلا رجل و لاوطن / و آلاف النوافذ ترمقني بعيونها المشتعلة العدوانية. (السمان، ۱۹۹۸: ۸۰) از آنجا که «هیچ موضوعی، مگر تنهایی انسان و بیگانگی انسان از خویش، نمی‌تواند به هنر و ادبیات رنگ زیبایی ببخشد (مجاهد، بی تا: ۱۲۲) و «یک شرط ضروری برای به دست آوردن «من»، احساس نیاز به تنهایی است؛ و ما نمی‌توانیم بدانیم چه چیزی برای ما مهم است، مگر اینکه زمانی را با خود خلوت کنیم». (اندرسون، ۱۳۸۷: ۱۴۰-۱۴۱)؛ بنابراین شایان ذکر است که گفته شود بسیاری از تم‌های ادبی آثار غاده، حاصل انزوا و غربتی است که انسان معاصرش به خاطر مسائلی چون جنگ و ناامنی به آن دچار شده است. از جمله این آثار می‌توان به رمان «کوابیس بیروت» اشاره کرد که بیگانگی آوار بیروت در کشاکش جنگ داخلی لبنان را نشان می‌دهد. (فراج، ۱۹۸۵: ۱۶۵) او که تنهای تنها شده است به چاه درون خود فرو می‌رود و گرفتار بختک‌های خواب و بیداری می‌شود تا در بسیاری از صفحات رمان خود جمله‌هایی از این دست در برابر چشم خواننده قرار گیرد «تنهایی سرنوشت من است» (السمان، ۲۰۰۰: ۸۸) «چون بختک به راه می‌افتم بی آنکه صدای پایم شنیده شود. از خودم می‌ترسم. از دستم می‌ترسم. انگار خودم نیستم.» (همان: ۱۴۷).

۲-۹- آزادی

۲-۹-۱- آزادی و بیان سمبلیک

در جامعه معاصر عرب، روحیه ناکامی و سرخوردگی شاعران در اثر وقایع و رخدادهای عصر، از جمله شکست ژوئن و به رسمیت شناختن رژیم اشغالگر اسرائیل موجب می‌شود تا آزادی و آزادی خواهی، آرمان شاعران و روشنفکران عرب گردد؛ از این رو شاعران این دوره، به دلیل خفقان و عدم آزادی بیان با بهره مندی از رمزهای مرسوم و یا واژگانی که قابلیت تبدیل به نماد را دارند حقایق جامعه را بازگو می‌کنند. در شعر غاده، حضور نمادین پرندگان از بسامد بالایی برخوردار است؛ از میان این پرندگان، خروس، منادی آزادی و رهایی است؛ زیرا خروس، خبردهنده صبح روشن است و خواب خفتگان را بر هم می‌زند: «الديك صار يصيح منتصف الليل و وقت الغروب / و القطط تعول صرخاتها الشباطية في منتصف آب ... و تخرج من جحرک / و تذهب الى شاطئ البحر / لتتذكر التنفس المجاني / فتعود و في رثك شظية» (القاسم، ۱۹۹۶: ۴۸). شاعر، در این شعر خود، نمادهای طبیعت (ساحل و حیوانات) را با نماد جنگ (ترکش) درهم آمیخته است؛ گویی می‌خواهد بگوید که حیوانات اهلی و رام که مظهر آرامش‌اند چون خروس و گربه، کارهایی بر خلاف غریزه خود انجام می‌دهند، همچون روزگار جنگ. ژرف ساخت شعر، نشان‌دهنده این است که انسان‌ها از حقوق طبیعی و ساده خود هم بی‌بهره‌اند، حتی در نفسی که

می خواهند بکشند. لذا غاده السمان، شاعری است که همواره در اشعارش دغدغه آزادی را دارد. شعر او، خروشی است در جامعه خفقان عربی گرچه او در اشعار خویش بیشتر از آزادی زنان دم می زند، اما وضعیت آزادی های مدنی مردان نیز در سرزمین های عربی تفاوت چندانی با آزادی زنان ندارد. او می سراید:

«إذا كنت رائد فضاء/ أدعوك ألى قمری/ سیستقبلک فی المطارالسندباد و الرخ و الجنی و الشاطر حسن/ و سیهدیك علاءالدین فانوسه السحری و بساط الریح/ و سأروی لك حكاية امرأة حاولوا قص أجنتها/ و نرفت الظلمة سراً». (السمان، دون التاريخ: ۱۶)

۲-۹-۲- آزادی بنیادین

او با یادآوری این مطلب که خداوند، همه عناصر طبیعت را آزاد آفریده، تأسف می خورد که چرا انسان که خود را اشرف مخلوقات می داند، اینگونه باید در بند و اسارت خودساخته ای باشد که هیچ ثمری جز هلاکت معنی و مفهوم زندگی راستین برایش به ارمغان نمی آورد. او در یکی از اشعارش این گونه به نبود و سخره گرفتن آزادی انتقاد می کند: «لك عدو واحد/ تخترع له عشرات الأسماء الحركية/ و اسمه: الحرية». (همان، ۶۳). او چنان به این آزادی اعتقاد دارد که حتی سلطه و استبداد را نمی پذیرد.

۲-۹-۳- رابطه آزادی با طبیعت گرایی و انسان گرایی

«احبك/ لكنك لن تسطيع اعتقالي كما يفشل الشلال فی اعتقال نهر/ و تفشل البحیره و الغيمه/ و يفشل السد/ فاحببني كما انا لحظة هاربة/ و اقبلني كما انا/ وكن بحراً/ شاسعاً كالبحر/ عميقاً كالبحر/ اصب فيك بنفسی!». (السمان، ۱۹۹۶: ۴). غاده، در این بند از قصیده خود از عشق آزاد سخن می گوید و شاعر با در آمیختن عشق با مناظر طبیعت (رود خانه، آبشار، ابرها، نهرها) و طبیعت گرایی و انسان گرایی مضامین هنری بدیعی خلق نموده است. این شعر، بیانگر دنیای پویایی، حرکت و تکامل است. دنیایی از آزادی و عشق که رو به پویایی و سعادت دارد، دربندی را نمی پذیرد و گریزپاست. بنابراین غاده، به طور مداوم دم از آزادی زده و وجود خودش را زمانی ارزشمند می داند که برده نباشد. او وظیفه و ویژگی انسان آزاد را، پرورش دادن آزاد مردها می داند چون انسان های آزاد اندیش، جامعه را محول کرده و آن را به سوی پیشرفت سوق می دهند.

۲-۹-۴- آزادی و سعادت گرایی

اگزیستانسیالیست ها معتقدند: «انسان در هر چیزی، جز آزاد نبودن، آزاد است، پس هیچ قانونی او را محدود نمی کند» (الخفاجی، ۱۹۹۵: ۱۸۰). این امر، تعهد و مسئولیت غاده السمان را در قبال دیگران بیان می کند؛ چرا که غاده، معتقد است انسان، می تواند هر طور که می خواهد باشد چون کنه و ذات او محدودپذیر نیست. البته آزادی او، آزادی بی قید و بند نیست، بلکه آزاده ای است که سعادت و خوشبختی انسان را در پی دارد. از نظر ژان پل سارتر «تعهد» یعنی اینکه ادیب مسئول است و کلام ادبی فقط برای راحتی خاطر یا زیبایی نیست بلکه موضعی است که در ادیب، احساس مسئولیت به وجود می آورد.

۲-۹-۵- آزادی و تعهد اجتماعی

بنابراین ادیب، باید زبان گویای مشکلات جامعه خود باشد مانند تولستوی، نویسنده بزرگ روس، که با مشکلات عصر خویش ارتباطی عمیق داشت و به همین دلیل به او لقب انسان انسانیت دادند (الغمری، ۱۳۷۸: ۱۶۱). غاده السمان، نیز ادیبی متعهد است که در رمان های خود می کوشد سیمایی از اسرائیل و شکست عرب ها از این رژیم اشغالگر به دست دهد. او می خواهد با نشان دادن جنگ و پیامدهای ناگوار این پدیده، روشنفکرانه در برابر جنگ مقاومت، و تعهد خود را در قبال جامعه، وطن و عشق به آن بیان کند (آقاجانی یزد آبادی، ۱۳۹۰: ۴۴). به تعبیر حسین جمعه که می گوید: «ادبیاتی که بحران ها را به تصویر می کشد، ادبیاتی انسانی است و نشان از متعهد بودن نویسنده دارد (النعمة، ۲۰۰۹: ۷) و اینکه ادبیات زمانی

ارزشمند است که به مشکلات انسان توجه کند (الساسی، ۲۰۰۴: ۴۶)؛ بنا براین غاده السمان را نویسنده‌ای پایبند و متعهد می‌توان شمرد. ناگفته نماند غاده، به دلیل زن بودنش بیشتر از دیدگاه یک زن به مفهوم آزادی می‌اندیشد و هنگامی که دم از آزادی می‌زند بالطبع آزادی زنان بیشتر مورد نظر او است. البته خودش معتقد است سخن گفتن و دفاع آزادی زنان مسئولیتی نیست که فقط بر عهده زنان و یا حتی مردان باشد. بلکه این اجتماع انسانی است که باید این آزادی را در وجود خویش نهادینه کند. او در این مورد می‌گوید: «مأموریت متحول کردن وضع زن و آزادی او، مأموریتی صرفاً مردانه و یا زنانه نیست؛ زیرا وطن نمی‌تواند بلند شود در حالی که نیمی از بدن او لمس و فلج باشد. همانطور که گنجشک نمی‌تواند با یک بال بپرد. ما در گذرگاه تحول از کشورهای بسیاری پیشی گرفته‌ایم، اما ما اعراب در برخی ابعاد زندگیمان در قرون وسطی زندگی می‌کنیم در حالی که جهان در آستانه قرن بیست و یکم است.» (فرزاد، ۱۳۸۵: ۲۱).

۲-۹-۶- آزادی، جمود و عقب ماندگی

البته باید گفت نگاه غاده به آزادی زنان، نگاهی متعصبانه و بی منطق نیست. او با مطالعه در فرهنگ‌ها و دیدگاه‌های ملل مختلف، دیدگاه جالب و درخور توجهی را در مورد آزادی و خصوصاً آزادی زنان مطرح می‌کند. او می‌گوید: «شکنجه‌ای که زن در معرض آن قرار گرفته است، تنها مرد، عامل آن نبوده، بلکه عقب‌ماندگی بوده است و تنها در توان زن عرب نیست که در جامعه غیر آزاد به حقوق خود دست یابد؛ زیرا عقب‌ماندگی نه تنها به زن عرب بلکه به مرد عرب نیز ستم روا می‌دارد و راه حل با هم قسم شدن و اتحاد این دو میسر است و نه اعلان جنگ علیه مردها. درست است که زن تحت شکنجه مضاعف و مرکب است، اما آزادی او، جزئی از آزادی جامعه به عنوان یک کل است (همان، ۱۳۴). با توجه به اینکه این جهان، جهان بسته و جامد نیست و دائماً در حال تغییر و تحول است، (خیربک، ۱۹۸۶: ۶۸)، بنابراین غاده، از اینکه انسان در جمود و عقب‌ماندگی به سر ببرد سخت نگران است و تنها راه رهایی از جمود را آزادی می‌داند. لذا انسانی را که محور اندیشه خود قرار می‌دهد، انسانی است متحرک و پویا نه ایستاده و جامد، ولی پویایی و تحرک جز در سایه آزادی به دست نمی‌آید؛ زیرا انسانی که در بند باشد، نمی‌تواند پیشرفت کند بلکه باید آزاد باشد تا بتواند مسیرهای تکامل را بشناسد.

۲-۹-۷- آزادی، اصلاح طلبی و منجی

بسیاری از شاعران که روایتگر تباهی‌ها و حتی شکست‌های روزگار هستند، ممکن است در همان مرحله متوقف بمانند و دیگر در آرزوی ترمیم زخم‌های اجتماع خود نباشند، اما غاده، علی‌رغم اینکه به تصویرکشنده جهان پر درد و ناسالم خویش است و همواره در حال عصیان در برابر جمودی و ایستایی است و این عصیان و اعتراض خود را در قالب شعر نمایان می‌سازد، اما امید به اصلاح و بازگشت به مدینه فاضله را از دست نداده است. او تنها راه اصلاح و نجات جامعه خویش را ظهور یک منجی می‌داند. در واقع این گونه اعتراضات همچون نسخه‌هایی از «امر به معروف و نهی از منکر» است و هدف آنها آگاه نمودن عوامل ظلم و نابه سامانی حاکم بر جامعه عربی و همچنین تلاش برای حرکت به سمت اصلاحات اصیل اسلامی و ظهور امام زمان (عج) است. این شاعر دردمند و روشنفکر سوری، تنهاترین تنهایی‌هایش، غم و اندوه اوست و قلبش آکنده از عشق و محبت است. آنچه در وجود او موج می‌زند دوستی او به مردم است. او بیشتر از آن که نگران سرنوشت و آینده خویش باشد، قلبش برای آینده ملت و مردمش می‌تپد. او می‌خواهد به مشکلات جامعه عرب و ظلم‌هایی که بر آنها وارد شده، پایان دهد و قلم، تنها سلاحی است که در دست دارد؛ بنابراین خواسته‌های درونی خویش را با زبان شعر بیان می‌کند. غاده، ضمن به تصویر کشیدن جامعه بیمار خویش همواره به دور دست‌های روشن می‌نگرد و آرزو می‌کند روزی، رؤیا در سرزمینش جای خود را به حقیقت بدهد و جامعه او طعم خوشبختی را بچشد:

هل يمكن لمركبة الحلم /ان تطلع عن شطرنج الضحالة الاجتماعية/ مرتين؟ /و هل يمكن للطائر/ الساقط في دبق (الواجبات) الاكذوبة/ ان يتابع مباحج هجرته؟ /هل يمكن للفرح ان يزهر في شجرة الغربة مرتين في موسم واحد للحزن/ هل يمكن للابتسامة /ان تشرق ثانية/ على شفاهنا المغسولة بالدم -/ كل منا بدم الآخر-؟؟.. (السمان، ۱۹۹۶: ۱۲). آیا ممکن است کشتی رویا/ از شطرنج تُنک آب جامعه دوباره لنگر بکشد؟/ آیا ممکن است پرندۀ ی در دام دروغین وظایف/ شادیهای مهاجرتش را دنبال کند؟/ آیا ممکن است شادی دوبار بر درخت غربت به گل بنشیند؟/ در فصلی یگانه از اندوه؟/ آیا ممکن است تبسم بر لبان خونین ما بدمد/ لبان ما که هر یک به خون دیگری آغشته است

غاده، با تمام وجود خویش به یک منجی و مصلح اجتماعی که روزی خواهد آمد و جهان را سرتاسر پر از نور عدالت می‌کند، معتقد است: «هل يعود نجم هوی/ الی موضعه فی السماء؟» (السمان، ۱۹۹۶: ۱۳). اگرچه او نامی از این منجی نمی‌آورد و او را در چهره ابرمردی که در کالبد معشوق او حلول می‌یابد به تصویر می‌کشد، اما می‌توان عمق اعتقاد و باور وی را - در اصلاح جامعه بیمارگونه‌اش - اینگونه یافت:

«هذا ليس زمناک/أيها المرهف /شفافية و عذوبة/ هذا زمن اعدام الأصفير/والأطفال و الفراشات و النجوم/ هذا ليس زمناک/ لكنني أشهد عكس الريح/ على أن حبك وحده سيبقي/ و أزهارك الربيعية آتية من ميتاتنا العديدة/ لتنمو كنباتات الأساطير/ فوق القبور المنبوشة/ و أشلاء/ المخطوفين و شفاه شققها الأنين» (السمان، ۱۹۹۲: ۲۱).

۲-۹-۸- آزادی، امید و آگاهی

غاده، با آن که در وجود تمام انسان‌های اطراف خود، یأس و ناامیدی را مشاهده می‌کند: «أنا بومۀ الخيبة، /غدر بی کل من احببته /وظف نفسه ناطقاً باسمی بعد ما کممنی» (السمان، ۱۹۹۶: ۲۷)، ولی به ستاره‌امیدی که در جیب دارد به زندگی خود ادامه می‌دهد. «فی جیبی نجمة، أتحنسها سرّاً / و أنا راكبة قطار الإنفاق ... /و حولی وجوه و وجوه /مسحوبة من ماكينۀ التكرار (فتوکوبی) عن البؤس...» (السمان، ۱۹۹۸: ۷۴). بنابراین، زندگی در شعر او به معنای آگاهی و بیداری اندیشه و حرکت به سمت اصلاح همه جانبه است. از این رو همگان را به استقامت در برابر مشکلات جامعه و امید به آینده فرا می‌خواند. به طور کلی، غاده انتظار را راهی برای رسیدن به جهان مطلوب می‌داند و معتقد است که همه اقشار جامعه باید در جهت زمینه سازی ظهور موعود تلاش کنند.

غاده، پیش‌تر و بیشتر از هر چیزی، «انسان» است و «انسانیت» را فریاد می‌زند که به ندرت این خصیصه در جهان دیده می‌شود. غاده، شاعری است که در قاموسش «نژاد، طبقه، رنگ، ملیت، قومیت، جغرافیا، جنسیت و ...» خودنمایی که نمی‌کند هیچ، بلکه به قهقهه‌ها هم رفته است، نخلبند اشعارش، «خردورزی و آزادی» است؛ چنان از حقوق بشر می‌گوید که گویی زاده بین‌الملل است فارغ از اینکه جغرافیایش، «خداوندگار زن‌ستیزی» و قرون وسطایی است، چنان از برابری و مرد سخن می‌گوید که به سختی می‌توان تشخیص داد که جنسیتش چیست. فردیتش را فدای جامعه و جنسیتش را فدای آزادی، خردورزی و انسانیت می‌کند. غاده، تنها سلاحش «قلم» است و چهره‌ای است که مخاطبش، جهانی و جهان است و قلمرو فکری‌اش به خطه و ملیتش، محدود نمی‌شود. غاده، فقط شاعر نیست؛ هنرمندی است در لباس سیاستمدار، زنی است در کالبد انسان و انسانیت، واقع‌گرایی است منتقد و مصلح، هنرمندی است عاشق، انسانی است دوران‌دیش و مرگ‌اندیش و خلاصه غاده، انسانی است که تمام ابعاد وجودی‌اش را پرورش می‌دهد، هیچگاه تسلیم نمی‌شود و هیچ چیزی از قلمش نیفتاده و در نثر «رمان» و «شعر»، انسانیت، عشق، خردورزی و آزادی را فریاد می‌زند. غاده، تنهایی است که به جمع می‌اندیشد و شاعری است که تخیل را به قربانی واقع‌نگری می‌کند و اگر بخوایم او را در قالب کلمات خلاصه کنم میان ساعی، منتقد، مصلح، جهانی، دانشمند، «انسان و انسانیت» مواج است.

شعر غاده السمان به کوهی می ماند که قله های مه آلود و برفی آن را انسانیت، برابری جنسیتی، آزادی و عشق تشکیل می دهد، اما نباید از چشم انداز جنگل های تودرتوی دامن این کوه سر به فلک کشیده، غافل باشیم؛ زیرا که نگرستن به دره های هولناک مرگ و زندگی هم اغماض نکرده و بر بلندای این سبز وسیع درست ایستاده است و متعدانه و دقیق، جامعه را به دقت یک قاضی می کاود و نتیجتاً غاده، هم عمیق است و هم وسیع.

۳- نتیجه گیری

غاده، با اشعار خود در سرزمین های امروز عربی که فرهنگی بسته دارند، جسارت زن بودن را در شعر وارد کرده است. او احساسات درونی خود را با درون مایه ای سیاسی و افشاکننده در قالب شعر بیان می کند و با سنت های غلط و عقب ماندگی های فکری جامعه خویش به ستیز می خیزد. انسان آرمانی او بیشتر در کالبد یک زن حلول می یابد. شعر غاده، تمرد و عصیان انسان و به نوع مشخص آن، انسان زن است در برابر نابرابری. شعر او، حفظ حرمت و ارزش انسانی زن و فردیت اوست. در این جهانی آرمانی که غاده از انسان، ارائه می دهد نظام عاشقانه سنتی نیز فرو می ریزد. معشوق در سنت عاشقانه سرایی عربی، موجودی قدرتمند، مستغنی و سنگدل است که ناز می کند و شاعر در برابرش اعلام نیاز می کند. در عاشقانه های غاده، این نظام «ناز و نیاز» سنتی رنگ می بازد و میدانی فراهم می آید که شاعر و معشوق به وحدت می رسند. عشق در اندیشه غاده به تأثیر از باورهای خاص او و تجربیاتی که از زندگی در غرب به دست آورده، کششی است که موجب محبت انسان به هموعان خود می شود، حال آنکه عارفان، معتقدند که عشق، محبت الهی است. چنانکه مولانا، عشق را از تعریف مستغنی می داند. غاده، از نمادها و اسطوره ها سعی در بیدار کردن مردم سرزمینش برای رهایی ظلم دیوصفتان خونریز دارد. غاده، در اشعار خویش بیشتر از آزادی زنان دم می زند، اما وضعیت آزادی های مدنی مردان را نیز در اشعارش گوشزد می کند. بی اعتمادی، در اشعار غاده بسامد بالایی دارد. او بی اعتمادی را افیونی می داند که خواب خوش را از چشمان انسان عرب معاصر گرفته است و فضای جامعه عربی را فضایی وحشتناک و ناامن جلوه می دهد. در شعر غاده، جنسیت، مطرح نیست و داشتن خرد را اصل می داند و از دید او خردورزی، مرد و زن نمی شناسد، خرد و انسانیت در سایه عشق، برتر از هر چیزی است و این چنین، انسان و اصالت به او را در شعر خود نشان می دهد.

منابع

۱. آقاجانی یزدآبادی، سمیه (۱۳۹۰). پیکار اعراب و اسرائیل در آثار غاده السمان. *فصلنامه مطالعات منطقه ای*. ۱۲ (۴۲)، ۴۳-۵۲.
۲. اسوار، موسی (۱۳۸۱). *پیشگامان شعر امروز عرب*. تهران: سخن.
۳. اکبری بیرق، حسن؛ بهلولی، سحر (۱۳۸۸). تأثیر زبان و اندیشه فروغ فرخزاد بر شعر غاده السمان. *برهان*. ۴۱ (۸۶)، ۵۳-۷۰.
۴. اندرسون، سوزان لی (۱۳۸۷). *فلسفه کرگور*. ترجمه خشایار دیهیمی. تهران: طرح نو.
۵. الخفاجی، محمدعبدالمعظم (۱۹۹۵). *مدارس النقد الأدبی الحديث*. القاهرة: الدارالمصرية اللبنانية.
۶. خیربک، کمال (۱۹۸۶). *حركة الحداثة في الشعر العربي المعاصر*. بیروت: دارالنهار.
۷. الساسی، جاک أماتاییس (۲۰۰۴). *یوسف النخال و مجلته «شعر»*. بیروت: دارالنهار.
۸. السمان، غاده (۱۳۸۶). *ابدیت لحظه عشق*. ترجمه عبدالحسین فرزاد. تهران: نشر چشمه.
۹. السمان، غاده (۱۹۷۶). *أعلنت عليك الحب*. بیروت: منشورات غاده السمان.
۱۰. السمان، غاده (۱۹۹۸). *الحب من الوريد الى الوريد*. بیروت: منشورات غاده السمان.
۱۱. السمان، غاده (۱۳۸۴). *زنی عاشق در میان دوات*. ترجمه عبدالحسین فرزاد. تهران: نشر چشمه.
۱۲. السمان، غاده (۱۳۸۵). *در بندکردن رنگین کمان*. ترجمه عبدالحسین فرزاد. تهران: نشر چشمه.
۱۳. السمان، غاده (۱۳۸۵). *غمنامه ای برای یاسمن ها*. ترجمه عبدالحسین فرزاد. تهران: نشر چشمه.

۱۴. السمان، غاده (۱۹۹۳). *أشهاد عكس الريح*. بيروت: منشورات غاده السمان.
۱۵. السمان، غاده (۱۹۹۶). *اعتقال لحظة الهاربة*. بيروت: منشورات غاده السمان.
۱۶. السمان، غاده (۱۹۹۸). *عاشقته في محبرة*. بيروت: منشورات غاده السمان.
۱۷. السمان، غاده (۱۹۹۹). *الأبدية لحظة حب*. بيروت: منشورات غاده السمان.
۱۸. السمان، غاده (۱۹۹۹). *عاشقته الرجل المستحيل*. بيروت: منشورات غاده السمان.
۱۹. السمان، غاده (۲۰۰۰). *القبيلة تستوجب القتيلة*. بيروت: منشورات غاده السمان.
۲۰. شهیدی، جعفر (۱۳۶۵). شعر و اثر آن در اجتماع. *رشد ادب فارسی*. ۲ (۲۰)، ۶۰.
۲۱. عبدالصبور، صلاح (۲۰۰۶). *الأعمال الشعرية الكاملة*. بيروت: دارالنهار.
۲۲. عربی، محی الدین (۱۴۱۴ق). *فتوحات مکیه*. بيروت: دارالفکر.
۲۳. عز الدین، فایز (۲۰۰۶). *اغتراب الکاتب فی الروح و الواقع*. القاهرة: الموقف الأدبی.
۲۴. الغمری، مکارم (۱۳۷۸). *تأثیر فرهنگ اسلامی بر ادبیات روسیه*. ترجمه ولی بیدج. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۵. فراج، عفیف (۱۹۸۵). *الحرية في أدب المرأة*. بيروت: مؤسسة الأبحاث العربية.
۲۶. فرانکل، ویکتور (۱۳۹۰). *کتاب در جستجوی معنا*. ترجمه امیر لاهوتی. تهران: جامی (مصدق)
۲۷. فرزاد، عبدالحسین (۱۳۸۰). رؤیا و کابوس «شعر پویای معاصر عرب». تهران: مروارید.
۲۸. فرزاد، عبدالحسین (۱۳۸۶). *مروری بر داستان نویسی معاصر عرب*. سمرقند. ۵ (۱۷)، ۲۲.
۲۹. مجاهد، عبد المنعم (۱۹۸۵). *جدل الجمال و الإغتراب*. السلسلة الثقافية. القاهرة: مكتبة الأنجلو المصرية.
۳۰. محمد زکی، عبد القادر (۱۹۵۹). *الحرية و الكرامة الإنسانية*. دمشق: نشر مكتبة اليقظة العربية.
۳۱. مدنی، نسرین (۱۳۸۵). *در کوچه های خاکی معصومیت*. تهران: چشمه.
۳۲. مرادی کوچی، شهناز (۱۳۸۴). *شناختنامه فروغ*. تهران: نشر قطره.
۳۳. مشکین فام، بتول (۱۳۸۴). *الحب في كتابات غادة السمان*. شناخت. ۱۵ (۴۷ و ۴۸)، ۱۸۰-۱۴۷.
۳۴. مولوی، جلال الدین محمد (۱۳۸۷). *مثنوی معنوی*. تهران: نشر اطلاعات.
۳۵. النعمه، عمار (۲۰۰۹). *حسین جمعه محظراً: الإبداع رساله و موقف*. جريدة الثورة. ۱۳۸.
۳۶. النوری، قیس (۱۹۷۹). *الإغتراب اصطلاحاً و مفهوماً و واقعاً*. کویت. *مجلة عالم الفكر*. ۱۰ (۱)، ۳۷.

References

1. Abdel-Sabour, S. (2006). *Complete Poetic Works*. Beirut: Dar Al-Nahar.
2. Aghajani Yazdabadi, S. (2011). The struggle of Arabs and Israel in the works of Ghada El-Samman. *Quarterly Journal of Regional Studies*. 2 (42), 43-52.
3. Akbari Bayraq, H. & Behluli, S. (2009). The influence of language and thought of Forough Farrokhzad on the poetry of Ghada El-Samman. *Burhan*. 41 (86), 53-70.
4. Anderson, S. L. (2008). *Kierkegaard's Philosophy*. Khashayar Dehimi (Trans.). Tehran: Tarh-e-No.
5. Arabi, M. (1993). *Meccan Revelations*. Beirut: Dar Al-Fikr.
6. Aswar, M. (2002). *Pioneers of Modern Arab Poetry*. Tehran: Sokhan.
7. Ezz El-Din, F. (2006). *The Alienation of the Writer in Spirit and Reality*. Cairo: Al-Mawqif Al-Adabi.
8. Faraj, A. (1985). *Freedom in Women's Literature*. Beirut: Arab Research Foundation.
9. Farzad, A.H. (2007). A review of contemporary Arab fiction. *Samarkand*. 5 (17), 22.
10. Farzad, A.H. (2001). *Dreams and Nightmares of "Contemporary Dynamic Poetry of the Arabs"*. Tehran: Morvarid.
11. Frankl, V. (2011). *The Book in Search of Meaning*. Amir Lahoti (Trans.). Tehran: Jami (Mossadegh)
12. Al-Ghamri, M. (1999). *The Influence of Islamic Culture on Russian Literature*. Wali Bidj (Trans.). Tehran: Islamic Propagation Organization.
13. Al-Khafaji, M. A. M. (1995). *Schools of Modern Literary Criticism*. Cairo: Egyptian Lebanese House.
14. Khairbek, K. (1986). *The Modernity Movement in Contemporary Arabic Poetry*. Beirut: Dar Al-Nahar.

15. Madani, N. (2006). *In the Dirt Alleys of Innocence*. Tehran: Cheshme.
16. Meshkin Fam, B. (2005). Love in the Writings of Ghada al-Samman. *Shenakht*. 15 (47 & 48), 147-180
17. Moradi-Kuchi, Sh. (2005). *Forough's Profile*. Tehran: Qatra Publication.
18. .Muhammad Zaki, A.-Q. (1959). *Freedom and Human Dignity*. Damascus: Arab Awakening Library.
19. Mujahid, A. –M. (1985). *The Debate of Beauty and Alienation*. Cairo: Anglo-Egyptian Library, Cultural Series.
20. Al-Na'ma, A. (2009). Hussein Juma'a as a lecturer: Creativity: A message and a stance. *Al-Thawra Newspaper*. 138.
21. Al-Nouri, Q. (1979). Alienation: Terminology, concept, and reality, Kuwait. *Alam al-Fikr Journal*. 10 (1), 37.
22. Rumi, J. M. (2008). *The Spiritual Mathnavi*. Tehran: Eta'lat Publication.
23. Al-Sassi, J. A. (2004). *Youssef Al-Khal and His magazine "Poetry"*. Beirut: Dar Al-Nahar.
24. Al-Samman, Gh. (1976). *I Declared My Love to You*. Beirut: Ghada Al-Samman Publications.
25. Al-Samman, Gh. (1993). *I Bear Witness Against the Wind*. Beirut: Ghada Al-Samman Publications.
26. Al-Samman, Gh. (1996). *The Arrest of the Fleeing Moment*. Beirut: Ghada Al-Samman Publications.
27. Al-Samman, Gh. (1998). *A Lover in an Inkwell*. Beirut: Ghada Al-Samman Publications.
28. Al-Samman, Gh. (1998). *Love from Vein to Vein*. Beirut: Ghada Al-Samman Publications.
29. Al-Samman, Gh. (1999). *Eternity is a Moment of Love*. Beirut: Ghada Al-Samman Publications.
30. Al-Samman, Gh. (1999). *The Lover of the Impossible Man*. Beirut: Ghada Al-Samman Publications.
31. Al-Samman, Gh. (2000). *The Tribe Deserves the Slain Woman*. Beirut: Ghada Al-Samman Publications.
32. Al-Samman, Gh. (2005). *A Lover's Sin in the Middle of the Night*. Abdol-Hosseini Farzad (Trans.). Tehran: Cheshmeh Publishing.
33. Al-Samman, Gh. (2006). *The Spell of the Ring*. Abdol-Hosseini Farzad (Trans.). Tehran: Cheshmeh Publishing.
34. Al-Samman, Gh. (2006). *A Book for Jasmine*. Abdol-Hosseini Farzad (Trans.). Tehran: Cheshmeh Publishing.
35. Al-Samman, Gh. (2007). *I Made A Moment of Love*. Abd al-Hussein Farzad (Trans.). Tehran: Neshrchashmeh.
36. Shahidi, J. (1996). Poetry and its effect in society, *Roshde Adabe Farsi*. 2 (20), 60.